

سخنرانی عزیز آریانفر

در

همایش بین المللی «رودکی و هزار سالگی شعر پارسی»
به تاریخ های 4-5 ماه نوامبر 2008، آلماتی

گزارش فشرده از کار همایش:

از یک دهه و نیم بدین سو، در دیار قزاقستان سنت خجسته و آیین نیکی پی افکنده شده است و آن این که به ابتکار کتابخانه ملی جمهوری قزاقستان، انستیتوت خاورشناسی فرهنگستان علوم این کشور و سفارت های ایران و تاجیکستان و مشارکت کشورهای روسیه، ازبیکستان و قرغیزستان همه ساله یکی، دو بار از یکی از بزرگمردان فرهنگ و ادب زبان پارسی در شهر آلماتی بزرگداری می شود.

دردمندان در گذشته نمایندگی کشور ما در همچو آیین ها حضور نداشت. مگر در سال های 2006-2007 و 2008 حضور شایسته و مشارکت بایسته یی در همچو مراسم داشت. چنانچه سال پیرار در همایش بین المللی بزرگداری از مولانا و سال پار از فردوسی سهم پویایی در برگزاری همایش (به ویژه در بخش شب شعر و موسیقی) داشتیم و در همایش مولانا از استاد لطیف ناظمی و در همایش فردوسی از استاد ناصر رهیاب دعوت گردید. در سال 2008 هم در برنامه بود تا از استاد واصف باختری دعوت گردد که سوگمندان به دلیل دست تنگی های مالی و یک رشته مشکلات فنی دیگر نشد.

به هر رو، همایش در خانه علم و فرهنگ شهر آلماتی با اشتراک ده ها تن از سخنوران و سخن شناسان و فرهنگیان از کشورهای دور و نزدیک برگزار گردید.

روز نخست همایش با سخن خوش آمد گویی رامین مهمان پرست- سفیر فوق العاده و نماینده تام الاختیار جمهوری اسلامی ایران در قزاقستان آغاز گردید. سپس بانو استاد داکتر مروارید ابو سعیدوا- رییس انستیتوت خاورشناسی فرهنگستان علوم قزاقستان به خوش آمدید گویی پرداخت. آنگاه آقای دلاور پور - رایزن فرهنگی ایران به مهمانان خیر مقدم گفت.

گرداننده نشست نخست استاد عوض اف - رییس کتابخانه ملی بود. سخنران نخست نشست نخست، داکتر اسپرهم- استاد زبان و ادبیات پارسی در دانشگاه ملی قزاقستان بود که سخنرانی ایشان بیشتر گرد محور موسیقی شعر رودکی می چرخید. سخنران دوم نشست، پروفیسور ستار زاده- استاد زبانشناسی از جمهوری تاجیکستان بود که مقاله یی زیر نام «رودکی و بررسی سبک هنری در شعر» را به خوانش گرفتند. سپس رشته سخن را داکتر مومن اف -

استاد تاریخ از جمهوری قزاقستان به دست گرفتند که مقاله ایشان در باره وضعیت روحانی سمرقند در عصر سامانیان بود. چهارمین سخنران نشست استاد داکتر ساکت از ایران بود که موضوع سخنرانی ایشان «رودکی و رباعی» بود. آخرین سخنران نشست نخست، استاد کومیس بای اف از جمهوری قزاقستان بود که به بررسی «تاثیر شعر رودکی بر ادبیات قزاقی» پرداخت.

گرداننده نشست دوم پروفیسور ستار زاده بود. نخستین سخنران نشست دوم، داکتر شریف شکور اف- استاد هنرشناسی از روسیه بود که مقاله یی زیر نام «سیمای جوانگردان (عیاران) در دوره سامانیان» ارائه نمود. دومین سخنران نشست دوم، پروفیسور حامد حمیدی - استاد زبان و ادبیات دانشگاه تاشکنت جمهوری ازبیکستان بود که موضوع سخنرانی شان - «شاه اسلام شاه محمد اف- پژوهشگر و گزارنده بزرگ شعر پارسی- تاجیکی و سهم وی در بررسی آثار رودکی» بود. سومین سخنران نشست دوم بانو داکتر گل بهرام - کارشناس ارشد زبان از انستیتوت خاورشناسی بود که به مقایسه و بررسی تطبیقی شعر رودکی و یوسف خاص حاجب پرداخت. چهارمین سخنران خانم داکتر بهناز پیامنی از ایران بود که مقاله یی به نام «شعر رودکی جلوه گر کهن باورهای دینی» ارائه نمود. پنجمین سخنران نشست دوم خانم آیناش- کارشناس ارشد انستیتوت هنر و ادبیات وزارت آموزش و علوم قزاقستان بود که یکی از قصاید رودکی را به زبان قزاقی ترجمه نموده است. ششمین سخنران نشست دوم پروفیسور رووف امیر- استاد زبانشناسی از جمهوری پاکستان بود که مقاله جالبی به نام «رودکی و ادبیات پاکستان» را باز خواند. سپس رشته سخن به پروفیسور قمر اف از جمهوری ازبیکستان سپرده شده که به بررسی تطبیقی شعر رودکی و شاه کریم پرداخت و موضوع «جهان» را در سروده های دو سخنور بازگفت.

آخرین سخنران نشست دوم بانو داکتر مرجان الاهی از ایران بود که پیرامون برخی از واژگان در زبان های باستان و پهلوی در آثار رودکی سخن گفت.

روز دوم همایش با سخنرانی عزیز آریانفر از جمهوری اسلامی افغانستان آغاز گردید (نگاه شود به پایان گزارش). گرداننده نشست سوم داکتر علی محمدی- استاد زبان و ادبیات دانشگاه آب لای خان شهر آلماتی بود که خودش نخستین سخنران هم بود. سخنرانی او «راز عظمت رودکی» نام داشت. دومین سخنران خانم منتو بایوا - کارشناس ارشد زبانشناسی بود که دیدگاه های خود را در باره داستان «سریر رودکی» نوشته استاد عالم جانف ابراز داشت. سپس رشته سخن به خانم اوتپ برگن- کارشناس ارشد تاریخ ادبیات و پژوهنده انستیتوت خاورشناسی جمهوری ازبیکستان رسید که به بررسی میراث رودکی در هنر و ادب ازبیکستان پرداخت.

سخنران بعدی بانو بهجت حجازی از ایران بود که مقاله جامعی زیر عنوان «واقع گرایی در شعر رودکی» ارائه داشت. پس از وی، داکتر صادق تیلی بای از قزاقستان مقاله شیوایی زیر نام «رودکی- چراغ تمدن جهانی» باز خواند. سپس خانم استاد داکتر آزیتا همدانی از ایران مقاله یی زیر نام «سهم تاجیکستانی ها در بررسی زندگی و آثار رودکی و معرفی رودکی شناسان سده های نهم و بیستم» بازخواند. آخرین سخنران نشست استاد داکتر قادر مروت اف از قرغیزستان بود که در باره آموزش روزگار و آثار رودکی در قرغیزستان سخن گفتند.

نشست با جمع بندی از سوی پروفیسور داکتر صفر عبدالله- استاد زبان و ادبیات دانشگاه ملی آلماتی و مسوول بخش کتاب های فارسی در کتابخانه ملی پایان یافت. ایشان قول دادند تا همه مقاله های ارائه شده در همایش در یک کتاب به چاپ برسد. در لای سخنرانی ها یک رشته مسایلی مطرح گردید که پیرامون آن جر و بحث هایی داغی درگرفت. مانند:

1-خاستگاه رودکی که در کجا پا به گیتی گذاشته بود

2-گرایش او به مذهب قرمطی

3- این که او نابینای مادر زاد بوده یا پسان ها کور شده است.

4- آرامگاه او

شایان یادآوری است که میخایل گیراسیمف- بزرگترین انتروپولوژیست شوروی پیشین اسکت و حجمه رودکی را در گورش بررسی نموده، آثار شکنجه را در استخوان سر او تثبیت نمود که به گمان فراوان در هشتاد سالگی- یعنی سال های اخیر زندگانی وی رخ داده و منجر به نابینایی وی گردیده بود.

شایان یادآوری است که در همایش های گذشته در شب شعر و موسیقی آوازخوان و کمپوزیتور جوان ما آقای ظاهر باختری هنرنمایی می کرد که دردمندانه امسال بنا به دلایل فنی این کار صورت نگرفت.

سخنرانی عزیز آریانفر

به نام آفریدگار سرود و سخن

به اجازه گرداننده همایش- دانشمند و اراسته و نستوه استاد
داکتر صفر عبدالله!

به اجازه دانشمندان و فرهنگیان فرهیخته و ورجاوند!

جای بسی خشنودی و خرسندی است که در شهر مینویی آلماتی(سیبستان) در خانه علم و فرهنگ که از چنین خانه هایی «یاد یار مهربان می آید»، در چنو همایش خجسته و نیک آیین در خدمت شما استادان بلندجایگاه و والاپایگاه هستیم و

در همایش بین المللی شهریار سخن پارسی، فرزند برومند سرزمین گهربار و برین فرارود- رودکی سمرقندی به بزرگداری از آن اختر تابناک سپهر روشن شعر و ادب نشست.

روشن است، به مصداق «تو بزرگی و در آینه کوچک نمایی»، بزرگان فرهنگ و ادب سرزمین گهربار ما بی چشمداشت به خاستگاه ها و آرامگاه های شان، به پیمانۀ یک سانی به همه باشندگان کشورهای همسرزمین، همفرهنگ، همریشه و همتاریخ ایران، افغانستان، آسیای میانه، قفقاز و نیمقاره تعلق دارند و همه حق دارند هنر والا و آثار بالای ایشان را از آن خود بدانند و از چشمه سار آفرینه های ماندگار شان سیراب گردند. آری! این فرهنگ بزرگ و این گستره ادبی پهناور تجزیه ناپذیر است و یگانه و نمی شود آن را در چهارچوب واحدهای سیاسی کنونی زندانی ساخت.

استادان بزرگوار و بزرگمهر!

پوزش می خواهیم که بنا به یک رشته دلایل و معاذیر فنی نتوانستیم استاد واصف باختری- گوهر شبچراغ ادبیات افغانستان را به این همایش زحمت بدهیم. آوخ که جای جناب ایشان در این همایش خالی است. حالیا که جناب استاد بزرگوار حضور ندارند، ناگزیر بنده سخنی چند خدمت تقدیم بدارم.

البته، برای من فرهنگ دوست دشوار است به رغم همه شیفتگی یی که به هنر و ادب پارسی دری دارم، در همچو انجمنی در باره شهریار شعر و ادب پارسی- رودکی سخن بگوییم. هر چند هم، کارشناس ادبیات نیستم، باز هم به خاطر انجام تکلیف و هم به خاطر عشقی که به این فرهنگ سترگ دارم (هر چند هم به مصداق «دل من ارزنی عشق تو کوهی») کوشیدم در خدمت دوستان باشم و از محضر اوستادان گرامی بهره مند گردم.

تنها می خواهم به یادآوری یک یادواره و خاطره بسنده کنم. یادم است در یکی از همایش هایی که در اوایل سال های دهه هشتاد در باره شعر و ادب پارسی در مسکو برگزار شده بود، یک پروفیسور روسی که دردمندانه نامش به خاطرم نیست در باره رودکی فرموده بود که «رودکی- پایه گذار چند ژانر (نوع یا گونه) در شعر و ادب پارسی- شعر را در حد اعلا آفرینندگی هنری سروده است».

بر آنم که برای بازتاب دادن هنر برین رودکی «همین بس یک سخن»! با این هم اوستادان جسارت بنده را به بزرگواری خود شان بر من خواهند بخشایند اگر بگویم که به رغم نوشته های گرانسنگ استاد سعید نفیسی، استاد شفیعی کدکنی و استاد زرینکوب و شماری دیگر از استادان ایرانی، تاجیکستانی و افغانستانی؛ هنوز هم جای یک پژوهش جامع پیرامون هنر شاعری رودکی خالی است و در اقیانوس شعر وی قاره های کشف نشده چشم به راه کریستف کلمب های خود هستند.

چون در سرزمین قزاقستان از رودکی بزرگداری می شود، به جا خواهد بود بیتی از یک سروده رودکی که دست روزگار او را روزگاری به شهر زیبای تراز (طراز) انداخته بود، باز بخوانم که گفته بود:

روی به محراب نهادن چه سود- دل به بخارا و بتان تراز
ایزد ما وسوسه عاشقی- از تو پذیرد نپذیرد نماز

شایان یادآوری است که بسیاری از سخن شناسان به بار عرفانی این سروده تاکید دارند و بر آن اند که منظور سخنسرای بزرگ از عشق ملکوتی بوده است. (**یادداشت:** پسان تر استاد داکتر بانو بهناز پیامنی نیز این گفته را تایید کردند)

دوست دارم سخنان خود را با این بیت به پایان ببرم:
«هرکه ناخست از گذشت روزگار- هیچ ناموزد ز هیچ آموزگار».

به امید این که بازماندگان رودکی، این سروده نیای بزرگ شان را در همه کارها الگو و فانوس ره سازند.

ایدون
با درود و سپاس
عزیز آریانفر